

پارادوکس یکپارچگی و تضاد



جانت لور

دیوانگی فوتبال:

اشتیاق برزیل و محبوب ترین ورزش جهان

دانشگاه کالیفرنیا

اشاره می‌کند که حاصل مطالعات انسان‌شناسی در دهه‌های اخیر است: "وقتی محققان از علاقه و تقاضای مربوط به ورزش سوال می‌کنند پاسخ برآمده از این سوال، اهمیت بازی و سرگرمی در فراهم ساختن زمینه‌ای برای برون آمدن از زندگی واقعی است. ورزش بیرون از واقعیت روزمره قرار دارد، مسابقه و هم‌آوردی، هیجان و نمایش را عرضه و پیشکش می‌کنند چرا که نتیجه امری است نامشخص" به واقع برخلاف واقعیت‌های روزمره که امری از پیش دانسته‌اند، مسابقات ورزش و به ویژه فوتبال امری متکی به حدس و گمان‌اند و این خود بیرون از مدار روزها و زمان عادی و معمولی ست که در آن چیز تازه‌ای وجود ندارد. به نظر نویسنده خوشبختی و آسیب پا به میان می‌گذارند و اتفاقاتی از پیش نامعلوم رقم می‌خورد: "یک روز فراچنگ آمده‌ی دیگر، تیمی بر تیمی دیگر چیره آمده است!" به همین دلیل نویسنده کتاب ورزش را از نگاه لوی اشتروس با آیین مقایسه می‌نماید و شباهت آن دو را به ویژه در رفتارهای هواداری تعقیب می‌نماید.

تقارن و تناسب ورزش به ما احساسی از هم‌سویی و یگانگی و کامل‌شدن در درون مرزهایی می‌دهد که از ویژگی آشکارگی برخوردار

کتاب سعی دارد منظری فرهنگی را به منظور درک محبوب‌ترین ورزش جهان یعنی فوتبال باز کند. این مقصود است که موجب می‌شود نویسنده به چند مفهوم اساسی توجه نشان دهد. مفهوم یکپارچگی (integration) و برخورد یا تضاد (conflict) مهم‌ترین مفاهیم مورد اشاره‌ی نویسنده‌اند که به کرات در طول کتاب از آنها استفاده می‌شود. فوتبال دو مفهوم متضاد با هم را در خویش گرد می‌آورد و این مکانیسم، یک پارادوکس را شکل می‌بخشد که نویسنده آن را در فصل نخست کتاب پارادوکس ورزش قلمداد می‌کند. اشارات نویسنده در مقدمه رمز این پیچیدگی را می‌گشاید. در ورزش محبوبی چون فوتبال قریب به تمام عناصر موجود در جامعه حضور دارند: فعالیت‌های فراتر، وسایل ارتباط جمعی، رهبران سیاسی و دولتی، و... و از سوی دیگر مفاهیم متفاوت اقتصادی و اخلاقی: تبلیغات، غرور، سود و... این ترکیب شگفت‌آور است که فوتبال را به محل پیوند آدم‌های مختلف و طبایع گوناگون تبدیل می‌کند. نویسنده یکی از شاخص‌های اهمیت ورزش در جهان را میزان وقتی می‌داند که مردم برای آن نثار می‌کنند و در قبال پرسش از چرایی این استقبال و صرف وقت به نکته‌ای بس کلیدی

بوده و قابل اجرا شدن اند. در این باره از منظری فرهنگ شناسانه سوال کتاب این است: ورزش‌ها و به ویژه فوتبال چگونه روح جمعی (collective sprit) را به وجود می‌آورند؟ نویسنده از مفهوم قهرمانان، ایدئولوژی و ضد قهرمانان (شخصیت‌های بد یا شریر villain) استفاده می‌کند. به نظر وی، تیم‌ها و قهرمانان نقاط کانونی‌ای را شکل می‌بخشند که بر اساس آن، اجماع و یکپارچگی هواداران به وجود می‌آید. بازیکنانی چون پله، توستائو و گارینشا بسیار فراتر از شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی از سوی مردم شناخته و فهمیده شده‌اند: "همه جز یک نفر شاه پله را شناختند و آن یک نفر استثنا هم یک مهاجر بوده است". زندگی و بازی‌های آنان از سوی تماشاگران فهمیده می‌شود. آنان منشا غرور و امید به پیروزی و تخیل درباره‌ی آن را صورت می‌بندند. به نظر نویسنده بازیکنان: "تصویر واقعیت بخشیدن به رویاها به صورت یک نماد را در بردارند". تماشاگران ساعت‌ها وقت خود را صرف دیدن بازی‌ها، رفتن به ورزشگاه و دنبال کردن مسابقات می‌کنند اما این تنها "زمان" نیست که از سوی هواداران صرف فوتبال می‌شود، بلکه آنان برای دیدن مسابقات و خریدن بلیط و حتی شرط بندی، قربانی‌های مالی (financial sacrifice) نثار تیم خویش می‌سازند. نویسنده نشان می‌دهد که در فرهنگ هواداری برزیل، مریبان و داوران سپر بالای بازی‌ها به شمار می‌آیند. اغلب شکست‌ها به مریبان و داوران و نه بازیکنان نسبت داده می‌شود. به همین دلیل است که برخی از موقعیت‌ها که در آن داور مجرد و تنها فرض می‌شوند (چون پناالی) از سوی داوران سخت و ناخواستنی تلقی می‌گردد. با این حال نویسنده معتقد است که راز همه پسندی و تدوام علاقه به فوتبال در میان مردم وجود قطب‌های رقابت در قالب تیم‌های رقیب است. مخالفت کردن و موافقت کردن هر دو در پی‌گیری علایق مربوط به فوتبال و به وجود آمدن حس جمعی دخیل‌اند و نه یکی از آنها.

در این کتاب نقش رسانه‌ها نیز در ارتباط با فرهنگ هواداری تعقیب می‌شود. جالب آن است که در کشور ما نیز نقش برنامه‌هایی چون نود در دو قالب سرگرمی و هواداری قابل بحث و بررسی است، برنامه‌ای که در آن چیزی قریب به یک میلیون نفر به ارسال نظر می‌پردازند.

در ارتباط با فوتبال، نقش دمکراتیک و ضد نژادی آن نیز از نگاه مولف دور نمی‌ماند. او "شاه پله" را مثال می‌زند و زندگی قهرمانان فوتبال را مرور می‌کند.

قلندرنامه‌ی خطیب فارسی

(سیرت جلال‌الدین ساوجی)

تصحیح و توضیح: دکتر حمید زرین کوب

انتشارات توس

در میان کتاب‌هایی که درباره‌ی آیین قلندری نوشته شده است، «قلندرنامه‌ی خطیب فارسی، از اهمیتی خاص برخوردار است. در این کتاب آگاهی‌هایی درباره‌ی برخی از پیروان این آیین مانند جلال درگزینی و ابوبکر صفاهانی وجود دارد که به استناد پژوهش استاد دکتر شفیع کدکنی در هیچ متن دیگری یا از آنها یاد نشده یا به تفصیل درباره‌ی آنها سخنی گفته نشده است. (قلندریه در تاریخ صص ۲۱۲ و ۲۴۰)

این کتاب منظومه‌ای است که نزدیک به ۱۷۷۰ بیت دارد. موضوع آن درباره‌ی زندگانی سید جلال ساوجی مجرد، و چند تن از پیران معروف قلندری مانند شیخ عثمان رومی، جلال درگزینی، محمد بلخی و ابوبکر اصفهانی است. کتاب براساس نسخه‌ای منحصر به فرد که اصل آن در کتابخانه‌ی سلیمانیه‌ی ترکیه نگهداری می‌شود به دست توانای زنده یاد دکتر عبدالحمید زرین کوب تصحیح شده است. براساس تصریح شاعر، این منظومه در سال ۷۴۸ سروده شده است

زهجرت هفتصد بوده و چل و هشت

که این اقبال و دولت یار من گشت (ص ۳۶)

همان گونه که مصحح کتاب یادآور شده، این منظومه از «لحاظ شعری» چندان در اوج نیست. و شاعر در سرایش آن توجهی به صنایع ادبی نداشته است، خود او در این باره به تأکید می‌گوید:

نکوشیدم به صنعت‌ها که دانی

ولیکن سعی کردم در روانی (ص ۳۶)

این منظومه را هم به اعتبار دوری از صنایع ادبی، هم به استناد غلط‌های فاحش شعری و مهم‌تر از همه به اعتبار زبان و لحن آن باید در ردیف ادبیات عامه به شمار آورد.

به رغم این موارد، منظومه‌ی یاد شده به اعتبار در برداشتن «بعضی روایات مربوط به قلندران و آداب و رسوم و شیوه‌ی زندگانی آنها قابل تواند بود.» (از مقدمه‌ی مصحح ص ۹).

مصحح کتاب، مقدمه‌ای سی صفحه‌ای در معرفی منظومه و نیز در میان آیین قلندری نوشته و سپس متن منظومه را آورده و در پایان نیز با دقتی در خور ستایش تعلیقات و توضیحاتی مشروح درباره‌ی مطالب منظومه آورده است. از مزایای دیگر کتاب وجود فهرست‌های مختلف شامل فهرست آیات و احادیث، لغات و ترکیبات و اعلام متن است. نگاهی گذرا به فهرست مآخذی که مصحح توانای کتاب به آنها رجوع کرده (نود و هشت منبع) نشان از وسواس علمی و پژوهشی او دارد.